

بحران اقتصادی و تورم قدرت تخریبی اقتصادی و اجتماعی آن ارائه طرح پیشنهادی یک مدل اقتصادی برای دوران پساگذار

ابراهیم والی

دانش‌آموخته دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد

اقتصاد از دانشگاه آزاد برلین

مشاور مدیریت، مشاور فناوری اطلاعات، مدرس فناوری اطلاعات

Berlin, Januar 2025

به باور من، مدت‌هاست که زمان "بحث"‌های بی‌پایان و پادرها به سر آمده است. اکنون، نیاز به برنامه‌هایی برای گونه‌ای توسعه‌ی پایدار و آینده‌نگر در راستای رفاه اجتماعی و پیشرفت کشور، بیش از هر زمانی به چشم می‌خورد.

در سال‌های اخیر، من سخت دلتنگ پیشنهادهایی از سوی کارشناسان اقتصادی کشور برای مدل‌های توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی بوده‌ام. این دلتنگی و نوسیدی‌ای که در پی داشت، به من انگیزه بخشید تا خود دست به کار طراحی مدلی درخور شرایط کنونی ایران شوم. سخنرانی پیش‌رو از دیدگاه‌های ایده‌نولوژیک و آرمانی فراتر می‌رود و با بهره‌گیری از تجربه‌های راه‌گشای چین، ویتنام و کره جنوبی، به مدل‌های توسعه‌ی واقع‌گرایانه و عمل‌گرایانه روی می‌آورد.

من در این سخنرانی، یک مدل اقتصادی‌ای سازگار با شرایط خاص ایران پیشنهاد خواهم کرد. در این پیشنهاد، تمرکز من بر بحران اقتصادی و مسیرهای ممکن برون‌رفت از آن، همچنین روند توسعه‌ی اقتصادی است. تردیدی نیست که تحقق آن نیازمند یک فرایند بلندمدت و تدریجی است. در این چارچوب، دولت توسعه‌گرا نقشی کلیدی و تعیین‌کننده در جهت‌دهی به مسیر تحول اقتصادی و برقراری توازن میان بازار و دولت - سرمایه‌گذاری در کالاهای عمومی مانند زیرساخت‌ها، آموزش، دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی، حق برخورداری از مسکن مناسب، و حفظ محیط زیست سالم و پایدار ایفا می‌کند. یکی دیگر از پیش‌فرض‌های بنیادین برای توسعه‌ای پایدار، دموکراتیزه کردن و ایدئولوژی‌زدایی از ساختار اجتماعی ایران است. این‌که چنین چیزی در شرایط کنونی کشور قابل تحقق باشد، جای تردید جدی دارد.

سخنرانی‌ام دربرگیرنده‌ی دو بخش است:

در بخش نخست، به گونه‌ای فشرده به شاخص‌های اقتصادی می‌پردازم و پس از آن، یک مدل اقتصادی قابل‌اجرا و عملی را پیشنهاد می‌کنم.

در بخش دوم، بسته‌ی جامعی از چاره‌اندیشی‌ها برای رویارویی با تورم ویرانگر پیشنهاد می‌کنم. این بسته، رویکردی چندبعدی سیاست پولی/مالی دارد و از این رو، با "راه‌حل‌های" تک‌بعدی برخی از کارشناسان نامدار کشور تفاوت چشمگیر دارد. برخی از این کارشناسان (برای نمونه، دکتر مسعود نیلی) تمرکز بر نرخ سود را پیشنهاد می‌کنند و برخی دیگر (برای نمونه، دکتر فرشاد مومنی) ریشه‌ی تورم را تنها در نرخ ارز و سیستم بانکی جست‌وجو می‌کنند. چنین رویکردهایی در هیچ جایی از جهان به نتایج دلخواه نرسیده است.

آگاه هستم که بسیاری از موضوعاتی که در این سخنرانی به‌صورت فشرده و در قالب سرفصل‌های کلیدی بیان شده‌اند، نیازمند بررسی، تدقیق و تدوین در چارچوب گروه‌های کارشناسی برجسته و چندرشته‌ای هستند. این، خصلت بنیادین هر گونه طرح اقتصادی است. این کار، وظیفه‌ی یک فرد به‌تنهایی نیست.

با قدردانی از یار گرامی‌ام، حمید

وضعیت شاخص های اقتصادی / داده های کلیدی

شاخص های که تحت تأثیر برداشت های شخصی و ترجیحات سیاسی قرار نگرفته اند، بلکه شرایط اقتصادی عینی را منعکس می کنند.

قسمت اول

پیش نویس برای یک مدل اقتصادی عملی برای دوران پسا پساگذار

چشم اندازها / راهکارها / اقدامات

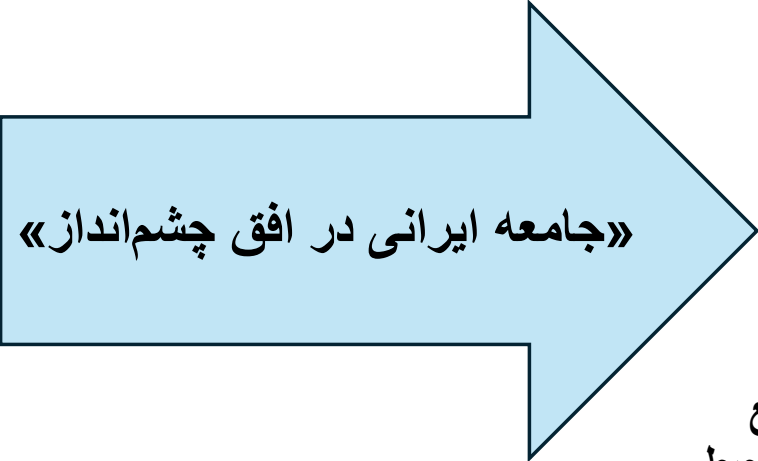
قسمت دوم

با الهام از بهترین شیوه ها و اقدامات جامع
پیشنهاد برنامه ای عملی برای مهار تورم مزمن

ادعاهای توخالی!

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴

به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی



«جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز»

رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل

برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت‌های برابر، توزیع مناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب

بررسی ادعاها در آینه واقعیت‌ها در صفحات بعدی

وضعیت شاخص های اقتصادی

Wirtschaftswachstum der letzten Jahre:

2016: 8,8 %

2018: -1,8%

2019: -3,1%

2023: 4,5% - 5,7%

(Dienstleistungen und Erdölsektor mit einem Wachstum von etwa 16,3 %)

2024 / 1. Quartal: 3,2%, 3. Quartal: 3,4%

الف) تقریباً کاهش به نصف نسبت به ۵/۷٪ در مدت مشابه سال گذشته.

ب) یکی از عوامل اصلی این کاهش، افت رشد در بخش نفت است که از ۱۶/۵٪ به ۹/۵٪ رسید.

پیش بینی

اقتصاد ایران امسال تنها سدهم درصد رشد کند و نرخ رشد سال آینده خورشیدی هم یک و یکدهم درصد باشد.

Quellen: Weltbank, Internationaler Währungsfonds (IWF), Trading Economics

اقتصاد ایران امسال تنها سدهم درصد رشد می کند ، و نرخ رشد سال آینده خورشیدی هم یک و یکدهم درصد باشد.

Quellen: Weltbank, Internationaler Währungsfonds (IWF), Trading Economics

اقتصاد کشور در فشار مضاعف قرار دارد؛ از یک سو تحریم های غربی، و از سوی دیگر عواملی چون فساد ساختاری، سوءمدیریت مزمن، واگذاری امتیازات خاص به گروه های ذی نفوذ، فرار گسترده سرمایه و نیز فقدان سرمایه گذاری پایدار در زیرساخت های حیاتی، همگی در تضعیف بنیان های اقتصادی نقش دارند.

- رشد اقتصادی کشور عمدتاً متکی بر سهم بالای بخش نفت است. با این حال، این وابستگی نه تنها پایداری توسعه را زیر سؤال می برد، بلکه به طرزی متناقض یکی از عوامل تعمیق فقر نیز به شمار می آید؛ چرا که منافع حاصل از آن به صورت عادلانه در میان اقشار مختلف جامعه توزیع نمی شود و بخش های بزرگی از جمعیت از آن بی نصیب می مانند.

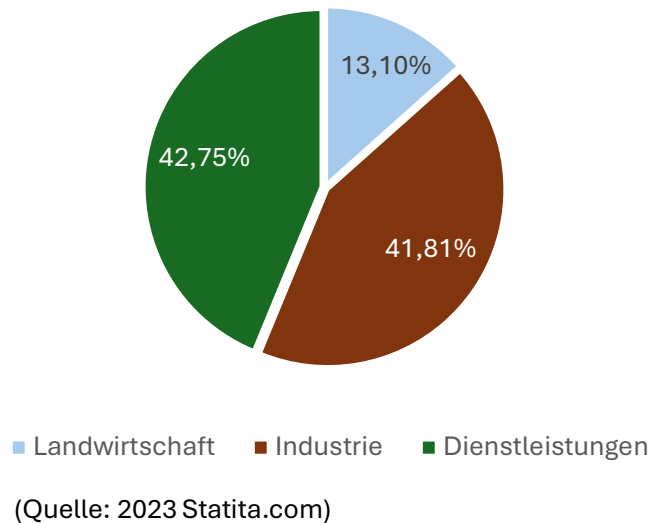
- در سال ۲۰۲۳، ورود سرمایه گذاری مستقیم خارجی به ایران حدود ۱/۴۲ میلیارد دلار بوده است. خروج سرمایه در همان سال حدود ۸۷ میلیون دلار آمریکا گزارش شده است.

این وضعیت فاجعه ای برای زندگی روزمره میلیون ها انسان به شمار می رود

با نرخ تورم ۴۳/۳٪ (۱۴۰۴)، افزایش جزئی تولید ناخالص داخلی و کاهش یا ضعف تولید صنعتی، رکود تورمی مزمن حاکم است

وضعیت شاخص های اقتصادی

Anteil verschiedener Wirtschaftssektoren am BIP



- بخش نفت و گاز همچنان موتور محرک اصلی عملکرد و رشد اقتصادی ایران به شمار می‌رود. وابستگی شدید اقتصاد کشور به این بخش موجب شده است که تغییرات در بازارهای جهانی انرژی تأثیرات مستقیمی بر شاخص‌های کلان اقتصادی، از جمله تولید ناخالص داخلی و درآمدهای ارزی، داشته باشند
- در سال ۲۰۲۴، این بخش با ثبت رشد ۹/۵ درصدی، همچنان عملکردی مثبت از خود نشان داده است؛ با این حال، این رقم در مقایسه با رشد چشمگیر ۱۶/۵ درصدی سال گذشته، کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد که می‌تواند نشانه‌ای از کند شدن روند توسعه در این حوزه باشد.
- با وجود اینکه میزان تولید نفت ایران در حدود ۳/۳ میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود، اما تحریم‌های بین‌المللی، روند صادرات نفت را با چالش‌های جدی مواجه کرده‌اند. با این حال، ایران توانسته است صادرات نفت خود را به حدود ۱/۷ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. بخش قابل‌توجهی از این صادرات عمدتاً از طریق فروش به خریداران چینی صورت گرفته است، که نشان‌دهنده توانایی تهران در یافتن مسیرهایی برای دور زدن محدودیت‌ها و حفظ سهم خود در بازار جهانی نفت است.

ایران با تکیه بر نیروی انسانی متخصص و تحصیل‌کرده، برخورداری از ذخایر عظیم انرژی، و بهره‌مندی از بازار داخلی بزرگ با تقاضای بالقوه‌ی سرمایه‌گذاری، از ظرفیتی چشمگیر برای دستیابی به نرخ رشد اقتصادی پایدار در بازه‌ای میان‌مدت (در حدود ۸ تا ۱۰ درصد در افق ۵ تا ۱۰ ساله) برخوردار است. تحقق این چشم‌انداز مستلزم تدوین و اجرای برنامه‌ریزی جامع، انجام اصلاحات ساختاری عمیق، بهبود محیط کسب‌وکار، و بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های داخلی و فرصت‌های بین‌المللی است

وضعیت شاخص های اقتصادی

بر اساس پیش‌بینی‌ها، رشد تولید ناخالص داخلی ایران در بازه‌ی زمانی ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۹ روندی نزولی خواهد داشت و در مجموع با کاهش ۱/۷ واحد درصدی مواجه می‌شود. این میزان رشد، به‌مراتب پایین‌تر از ظرفیت بالقوه‌ی اقتصادی کشور ارزیابی می‌شود و نشان‌دهنده‌ی چالش‌های ساختاری و سیاستی پیش‌روی اقتصاد ایران است.

در سال ۲۰۲۳، نرخ بیکاری در ایران حدود ۹ درصد برآورد شد و پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که این رقم در سال ۲۰۲۴ با اندکی افزایش به حدود ۹/۲ درصد خواهد رسید. بر اساس آمارهای رسمی، جمعیت شاغل کشور در سال ۲۰۲۱ حدود ۲۶/۴ میلیون نفر بوده است. با این حال، آنچه نگران‌کننده‌تر به نظر می‌رسد، سهم بالای جمعیت غیرفعال اقتصادی است؛ به‌گونه‌ای که تقریباً ۷۰ درصد از افرادی که از نظر جسمی و سنی توانایی اشتغال دارند، به دلایل مختلف خارج از بازار کار باقی مانده‌اند. از سوی دیگر، ساختار بیکاری در ایران نیز با چالش‌های جدی مواجه است. بنا بر گزارش مرکز آمار ایران در پاییز ۱۴۰۳، حدود ۷۱ درصد از کل بیکاران دارای مدرک آموزش عالی را زنان تشکیل می‌دهند. این آمار نه تنها بیانگر بیکاری گسترده در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است، بلکه نشان‌دهنده‌ی شکاف جنسیتی عمیق در بازار کار کشور نیز می‌باشد.

(منبع: Statista.com، Destatistik.de)

سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌ها و آموزش و تحقیقات می‌تواند رونق اشتغال را تضمین کند، با بیکاری جوانان مبارزه کند و به طور کلی زنان بیشتری را وارد بازار کار کند. سرمایه‌گذاری در تولیدات کاربر به عنوان مثال در کشاورزی و گردشگری و راه‌اندازی و گسترش زیرساخت‌های نیروگاهی با رویکردی بلندمدت برای مدیریت پایدار بحران انرژی

پیش بینی می شود تولید ناخالص داخلی ایران در سال 2024 حدود 401.4 میلیارد دلار باشد وضعیت شاخص های اقتصادی
(Quelle: Statita.com)

بخش صنعت و تولید در ایران با رشدی کند و شکننده مواجه است؛ رشدی که بیش از هر چیز تحت تأثیر عوامل ساختاری و بیرونی قرار دارد. از یکسو، کمبود مزمن سرمایه‌گذاری به‌ویژه در حوزه‌های زیرساختی و فناوری‌محور، مانعی جدی در مسیر نوسازی و بهره‌وری صنایع به شمار می‌رود. از سوی دیگر، تحریم‌های بین‌المللی به‌ویژه در حوزه‌های بانکی و تجاری، واردات ماشین‌آلات پیشرفته، تجهیزات صنعتی و فناوری‌های نوین را به‌طور چشمگیری با محدودیت مواجه کرده‌اند و مانع از انتقال دانش فنی مورد نیاز شده‌اند. افزون بر این، اختلال‌های مستمر در تأمین پایدار انرژی—اعم از برق و گاز—که در سال‌های اخیر به‌ویژه در فصل‌های اوج مصرف تشدید شده‌اند، به‌عنوان یک عامل بازدارنده‌ی کلیدی، بر عملکرد صنعتی کشور سایه افکنده‌اند. این وضعیت، به‌ویژه در صنایع انرژی‌بر، منجر به افت تولید، افزایش هزینه‌ها و کاهش رقابت‌پذیری در سطح منطقه‌ای و جهانی شده است.

بخش خدمات: این رشد متوسط است، عمدتاً از طریق گردشگری (عمدتاً از کشورهای همسایه) و تجارت داخلی.

بخش کشاورزی در ایران طی سال‌های اخیر با چالش‌های جدی و فزاینده‌ای مواجه بوده است که چشم‌انداز رشد پایدار آن را به‌شدت محدود کرده‌اند. در رأس این چالش‌ها، بحران کم‌آبی و افت شدید منابع آبی قرار دارد؛ پدیده‌ای ساختاری که به دلیل برداشت‌های بی‌رویه، مدیریت ناکارآمد منابع، تغییرات اقلیمی، و کاهش بارندگی‌ها، به یکی از موانع اصلی توسعه‌ی کشاورزی بدل شده است. افزون بر این، افزایش مداوم هزینه‌های نهاده‌های کشاورزی، به‌ویژه کودهای شیمیایی، بذرهای اصلاح‌شده، سوخت و قطعات یدکی، موجب کاهش حاشیه سود تولیدکنندگان و کاهش توان آن‌ها برای سرمایه‌گذاری مجدد در زمین‌های زراعی و باغی شده است. همچنین، محدودیت در دسترسی به ماشین‌آلات مدرن و فناوری‌های روز کشاورزی—ناشی از تحریم‌ها، نوسانات ارزی و ضعف زیرساخت‌های انتقال فناوری—بر بهره‌وری این بخش تأثیر منفی گذاشته و مانع از نوسازی نظام تولید کشاورزی شده است. مجموع این عوامل—از بحران منابع طبیعی گرفته تا فشارهای اقتصادی و فناورانه—سبب شده‌اند که بخش کشاورزی، با وجود نقش حیاتی‌اش در امنیت غذایی و اشتغال، نتواند از ظرفیت‌های بالقوه‌ی خود بهره‌گیرد و رشد آن به سطحی محدود و شکننده تنزل یابد.

بر اساس برآوردهای موجود، سرانه تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۲۰۲۴ در حدود ۴,۶۳۳ دلار آمریکا خواهد بود. این شاخص نشان‌دهنده سطح بسیار پایین درآمد اقتصادی هر فرد در کشور است و می‌تواند مبنایی برای ارزیابی مقایسه‌ای سطح رفاه اقتصادی باشد.

تولید ناخالص ملی در مقایسه با کشورهای همسایه

کشورها	تولید ناخالص ملی GDP	تولید ناخالص ملی سرانه
Türkie	1322.4 میلیارد دلار آمریکا	15,463 دلار آمریکا
Saudi	1085.4 میلیارد دلار آمریکا	30,746.5 دلار آمریکا
Katar	221.4 میلیارد دلار آمریکا	71.583,1 US-Dollar
Israel	540.4 میلیارد دلار آمریکا	54,191.6 دلار آمریکا
Iran	401.4 میلیارد دلار آمریکا	4,633.2 دلار آمریکا
https://de.statista.com/statistik/report-content/statistic/259299		

با وجود پتانسیل عظیم، مردم ایران به طور متوسط بسیار فقیرتر از مردم کشورهای همسایه هستند!

وضعیت شاخص های اقتصادی

- مهاجرت قابل توجه نیروهای متخصص که اغلب به عنوان "فرار مغزها" شناخته می شود. هر سال بیش از ۱۵۰۰۰۰ فرد با صلاحیت و با استعداد ایران را ترک می کنند؛ بسیاری از آنها در غرب به موفقیت های درخشان دست می یابند

- نرخ بیکاری جوانان در ایران در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۷ درصد تخمین زده شده است (<https://donya-e-eqtesad.com/1403/11/4>)

- نرخ بیکاری زنان حدود ۳۵/۷ درصد و نرخ بیکاری مردان حدود ۱۹/۹ درصد بوده است. نرخ بیکاری جوانان در ایران سال هاست که بالا است، بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در پاییز ۱۴۰۳، ۷۱ درصد از جمعیت بیکار فارغ التحصیلان آموزش عالی را زنان تشکیل می دهند.

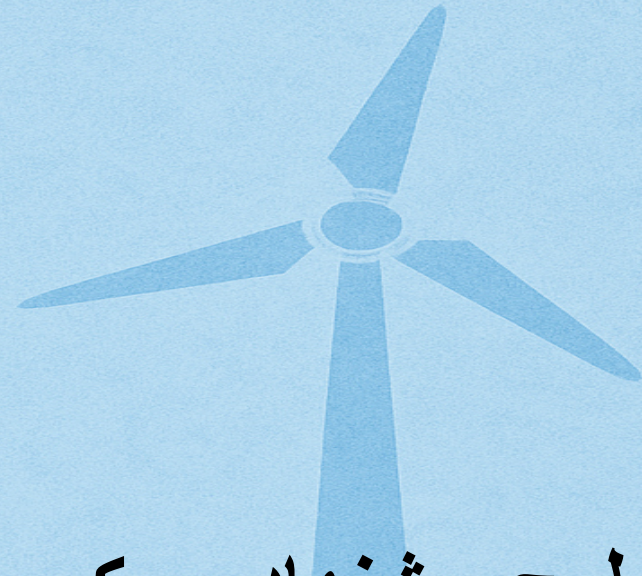
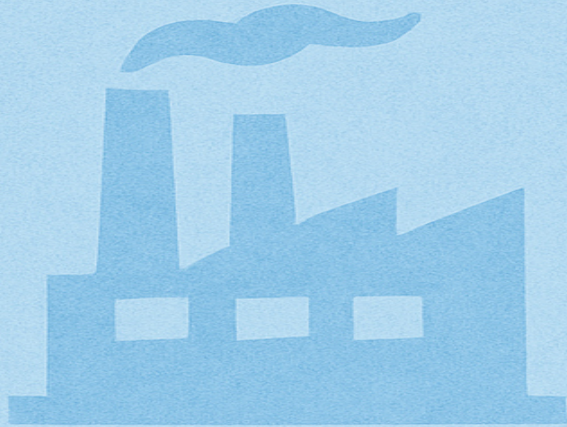
- نرخ بیکاری در ایران به طور متوسط از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۴ بر اساس آمار رسمی ۱۱/۰۸ درصد بوده است

- بین ۴۰ تا ۵۰ درصد از خانوارهای شهری و روستایی زیر خط فقر زندگی می کنند، که تقریباً معادل ۴۵ میلیون نفر است. این شامل بخش بزرگی از طبقه متوسط و به ویژه گروه های آسیب پذیر می شود برآوردها حاکی از آن است که بیش از ۲۰۰'۰۰۰ کودک در خیابان ها زندگی می کنند (<https://www.eghtesadnews.com/1403/11/4>)

- مرکز آمار نشان می دهد که نرخ فقر شدید در سراسر ایران حدود ۵ میلیون نفر برابر با ۶ درصد از جمعیت است. نرخ عدم دسترسی به مسکن مقرون به صرفه در مناطق شهری ۴۹ درصد (۹/۵ میلیون خانوار) و نرخ بدمسکنی در مناطق روستایی ۴۰ درصد (۲/۴ میلیون خانوار) است. (<https://iran.chetor.com/>)

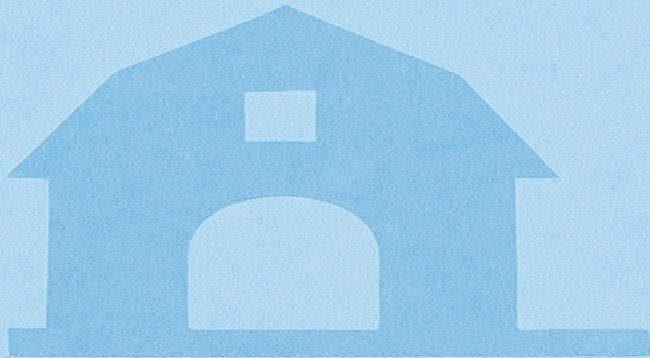
دلایل فقر گسترده در میان اقشار وسیعی از جامعه متنوع هستند
تورم (۴۳/۳٪) و افزایش قیمت های ناشی از آن نقش
تعیین کننده ای در این مسئله دارند

تبعات سیاست های
اقتصادی کنونی



قسمت اول

طرح پیشنهادی یک مدل اقتصادی برای دوران پسا عبور



طرح پیشنهادی برای مدل اقتصادی، برنامه عملی:
**Hybrid of social market economy + development state
model**

**Hybrid aus sozialer Marktwirtschaft +
Entwicklungsstaatsmodell**
الگوی ترکیبی از اقتصاد بازار اجتماعی و دولت توسعه‌گرا

از مدل های توسعه چین، ویتنام و کره جنوبی چه می توانیم بیاموزیم؟

برای دوران گذار و مرحله‌ی پساگذار، من مدل دولت توسعه‌گر کره جنوبی را – به‌ویژه به دلیل برخورداری آن از نظم اجتماعی دموکراتیک و نهادهای تثبیت‌شده‌ی مردم‌سالار – به سایر الگوها ترجیح می‌دهم. به‌نظر می‌رسد این الگو، به‌ویژه با توجه به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی ایران، با استقبال اکثریت جامعه نیز روبه‌رو شود. ملت ایران از دوران انقلاب مشروطه تاکنون، بیش از یک قرن است که برای دستیابی به دموکراسی و آزادی‌های بنیادین مبارزه کرده‌اند؛ سنتی که در کشورهایی همچون چین و ویتنام سابقه ندارد. با این حال، این تفاوت تاریخی نباید مانع از توجه به دستاوردهای چشمگیر و تحولات مثبت اقتصادی و اجتماعی در این دو کشور گردد

من کاملاً آگاه هستم که هر یک از محورهای پیشنهادی در این طرح ده‌گانه، نیازمند آن است که توسط یک مرکز تخصصی یا کارگروه کارشناسی متشکل از صاحب‌نظران هر حوزه به‌طور دقیق‌تر پرداخته، تکمیل و در نهایت اجرا شود. این طرح نه به‌عنوان فهرستی از اقدامات جزئی، بلکه به‌مثابه یک چارچوب راهبردی و جهت‌دهنده ارائه شده است: چارچوبی که حوزه‌های کلیدی و حیاتی برای توسعه‌ی پایدار کشور را مشخص می‌سازد و در عین حال، مسیرهای اصلی تحول در حوزه‌های مختلف اجتماعی را ترسیم می‌کند

طرح پیشنهادی برای مدل اقتصادی ۱۰ ماده‌ای برای رونق و رشد پایدار

① لغو تحریم‌ها به منظور جبران کسری‌های اقتصادی و ساختاری، مهار تورم و ارتقای رقابت‌پذیری اقتصاد ایران.

اقتصادی شکوفا و پویا در شرایط تحریم نمی‌تواند شکل بگیرد و بالنده شود؛ از این رو، لغو تحریم‌ها، تفاهم با غرب در خصوص مسائل هسته‌ای پیش‌شرطی ضروری و انکارناپذیر برای هرگونه توسعه‌ی پایدار اقتصادی است. این‌که تحقق چنین امری در چارچوب شرایط سیاسی موجود امکان‌پذیر و مورد اراده باشد، جای پرسش دارد

② از جمله وظایف دولت توسعه‌گرا تعیین اهداف درازمدت و استراتژیک برای دستیابی به یک الگوی اقتصادی پایدار و آینده‌نگر با تمرکز بر ۳ تا ۵ صنعت کلیدی از جمله صنعت خودروسازی، با انتخاب راهبردی برقی‌سازی حمل‌ونقل به‌عنوان اولویت توسعه و ایجاد همکاری‌های هدفمند با شرکت‌های موفق تولید خودروهای برقی - به‌ویژه در کشورهای آسیایی، کاربردهای هوش مصنوعی، زیست‌فناوری و فناوری‌های پزشکی، پتروشیمی، صنعت دارویی ژنریک و انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان یکی از عوامل کلیدی و غالب در مدیریت و عبور از بحران انرژی (نظیر انرژی بادی، فتوولتائیک، هیدروژن و سایر موارد)، همراه با حمایت از ایجاد و توسعه صنایع داخلی و زنجیره تأمین بخش‌های صنعتی

③ راه‌اندازی «صندوق توسعه‌ی ایران ۱۴۲۰» با سرمایه‌ای معادل ۳۰۰ میلیارد دلار به‌عنوان برنامه‌ای محرک برای رشد اقتصادی، با هدف سرمایه‌گذاری در بازسازی زیرساخت‌های فرسوده کشور، با در نظر گرفتن اولویت‌های توسعه منطقه‌ای، آموزش، پژوهش و حمایت از شرکت‌های متوسط داخلی و کارآفرینان، به‌ویژه زنان کارآفرین. همچنین، طراحی بسته‌های سرمایه‌گذاری با ارزش سالانه حداقل ۱۵ میلیارد دلار که از محل درآمدهای نفت و گاز تأمین می‌شوند. ترویج تعاونی‌های مسکن به‌منظور تأمین نیاز به مسکن مقرون‌به‌صرفه و اختصاص زمین برای ساخت‌وساز صرفاً به‌صورت اجاره بلندمدت تا سقف ۹۹ سال

در راستای صیانت از حقوق مستأجران و کنترل تورم در حوزه‌ی مسکن
ممنوعیت قراردادهای اجاره سالانه و اعمال سقف اجاره، برای حداقل ۵ سال به‌ویژه در شهرها

طرح پیشنهادی برای مدل اقتصادی ۱۰ ماده‌ای برای رونق و رشد پایدار

④ مشارکت عمومی-خصوصی به عنوان ابزاری کلیدی برای تحقق پروژه‌های سرمایه‌بر نظیر تصفیه‌خانه‌های آب، **Public-Private-Partnerships** تأسیسات فاضلاب و نم‌زدایی، به‌ویژه با هدف رفع عقب‌ماندگی در سرمایه‌گذاری در این حوزه‌ها. همچنین، طراحی و اجرای راه‌حل‌های مؤثر برای دفع پایدار آب نمک حاصل از فرایند نم‌زدایی، مثل رقیق‌سازی محلول نمکی، بازیابی / استفاده از محلول نمکی، **حوضچه تبخیر** با تبخیر کنترل‌شده

⑤ ایجاد بستر مناسب برای سرمایه‌گذاری و افزایش جذابیت ایران به عنوان مقصدی مطمئن برای سرمایه‌گذاران، از طریق مجموعه‌ای از اقدامات همچون: کاهش نرخ مالیات، اعطای معافیت‌ها و مشوق‌های استهلاک ویژه، تضمین امنیت سرمایه‌های به‌کاررفته، **حفظ ثبات سیاسی و اقتصادی**، **حاکمیت قانون**، کاهش بوروکراسی اداری و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی به‌ویژه گسترش شبکه‌های پرسرعت اینترنت و تلفن همراه. **الف) ورود سرمایه خارجی به کشور به ویژه برای نوسازی و توسعه بخش انرژی با فناوری های روز (پروژه های نفت، گاز و پتروشیمی، صنایع بزرگ و تولیدات سرمایه‌بر، گسترش زیرساخت‌های نیروگاهی با رویکردی بلندمدت برای مدیریت پایدار بحران انرژی) که نیاز به 200 تا 400 میلیارد دلار برآورد شده است** **ب) ایجاد شرکت های مشترک برای انتقال دانش، سرمایه و فناوری به Joint Ventures داخل کشور**

⑥ اصلاحی عمیق در نظام بانکی با هدف دستیابی به سیاست پولی شفاف، نظام اعتباری مسئولانه و نظارت مؤثر بر بانک‌ها، مطابق با **III. تا استانداردهای بین‌المللی بازل**.

طرح پیشنهادی برای مدل اقتصادی ۱۰ ماده‌ای برای رونق و رشد پایدار

⑦ تأسیس وزارت مدیریت آب با هدف تحقق مدیریت پایدار منابع آبی کشور، با برخورداری از اختیارات قانونی و منابع مالی کافی. این نهاد می‌تواند محور سیاست‌گذاری، هماهنگی و نظارت در حوزه‌های مختلف مرتبط با آب باشد، از جمله: حمایت از شرکت‌های تولیدی و کشاورزی در بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، ترویج صنایع کم‌مصرف در حوزه آب و انرژی، توسعه آبیاری قطره‌ای، تأمین مالی برای احداث آب‌انبارهای زیرزمینی و اجرای طرح‌های آبخوانداری. همچنین راه‌اندازی کمپین ملی آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه مدیریت اقتصادی آب، ارتقای آگاهی‌های زیست‌محیطی، اجرای پروژه‌های بازچرخانی آب، و گسترش همکاری‌های بین‌المللی به‌منظور بهره‌مندی از تجربیات کشورهای موفق، از دیگر اقدامات راهبردی این وزارتخانه خواهد بود.

حفظ منابع موجود و اصلاح الگوهای مصرف و نه افزایش عرضه آب به هر قیمت

⑧ مبارزه با فساد ساختاری (چای دیش)، تأسیس سازمان شفافیت بین‌الملل ایران (بوروکراسی زدایی از ادارات، تسریع فرآیندهای صدور مجوزها، راه‌اندازی دادستان‌های ویژه و پلیس جنایی و غیره). شاخص شفافیت بین‌الملل: ایران در بین 180 کشور در رتبه 149 قرار دارد

Transparency International Iran

⑨ لغو و بازبینی خصوصی‌سازی‌های فاسد و رانتی گذشته بر اساس ارزیابی‌های حقوقی و اقتصادی شفاف؛ دسترسی به سرمایه به‌منظور (Venture apital) تأمین مالی کسب‌وکارهای نوپا (استارت‌آپ‌ها) و شرکت‌های منشعب از دانشگاه‌ها، پیوند میان پژوهش و اقتصاد Spin off

⑩ اعطای یارانه‌های هدفمند (10 درصد؟) برای سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات و تجهیزات در بخش‌های صنعتی و کشاورزی به منظور گسترش عرضه‌های ضروری محلی و در نتیجه کاهش قیمت‌ها و کاهش تورم.

سخن پایانی

بدون اصلاحات عمیق و همه‌جانبه در مدل اقتصادی و اجتماعی، دستیابی به توسعه‌ای پایدار در ایران دور از دسترس خواهد بود، و در چنین شرایطی، خطر فروپاشی نظم اجتماعی با پیامدهایی پیش‌بینی‌ناپذیر وجود دارد. از این‌رو، هرچند لغو تحریم‌ها گامی مهم و ضروری است، اما به‌تنهایی نمی‌تواند نقش نوشدارو را ایفا کند.

در پرتو وضعیت موجود، این پرسش مطرح می‌شود این که آیا وجود اراده‌ی سیاسی برای تغییر عمیق در نظام سیاسی اجتماعی موجود وجود دارد یا خیر، تردید جدی وجود دارد